

یاد آوری های قضائی

لازمه پاسخ لایحه ، رؤیت « اصول اسناد » است

هیچ حقوقدانی از مطالعه مداوم و استحضار از مسائل قضائی روز و آگاهی از آراء و رویه های جاری محافل قضائی، بی نیاز نیست. این ضرورت را وکلا و قضات دادگستری و خاصه همکاران جوان ما بیشتر احساس میکنند. تا جائیکه باید گفت: توفیق در کار قضائی و ایفای وظیفه وکالت دادگستری، بدون آگاهی از نظر سایر اهل فن - و در نظر گرفتن شیوه کار و نحوه استنتاج و استدلال دیگران - و مطالعه مکرر قوانین و بحث و بررسی آنها و سرانجام: بدون بهره مندی از تجربیات صف مقدم همکاران و اطلاع از **تفکر قضائی** قضات موجود، بسادگی امکان پذیر نیست.

این واقعیت آشکار را همه میدانسته ایم ولی پرسش های تلفنی و مراجعات همکاران ما بدفتر « حقوق امروز » بمنظور بررسی پاره ای مسائل و مشکلات حقوقی - قضائی - و استفسار از تفکر قضائی و رویه های عملی و جاری دادگاهها ما را بر آن داشت که در این مورد نیز گامی برداریم و مسائل و استنباط های نسبتاً خارج از رویه **ثابته** معمول دادگاهها و مراجع اجرایی را که در ضمن کار وکالت با آنها برخورد کرده ایم و بنحوی حل شده است، در صفحه خاصی زیر عنوان:

یاد آوری های قضائی درج نمایم

فضل فروشی و تظاهر را در اینکار راه نیست و بهمین جهت، آنچه در این زمینه نوشته خواهد شد - مخصوصاً نخستین مسائلی که عنوان میداریم - محتملاً مسائلی « غیر مهم » جلوه مینماید و بالاخص که با زبانی بسیار ساده و با توضیح و توجیه بیش از معمول بیان میگردد و تا آنجا که بتوانیم، از اشاره و ایجاز خود داری میکنیم تا **همگان را بکار آید** و « خدمت »ی که منظور اساسی است، انجام پذیر باشد.

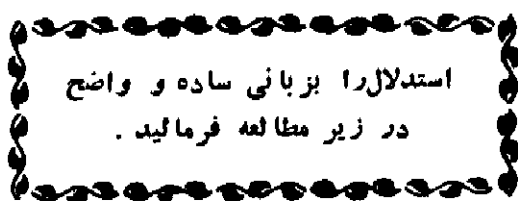
سادگی کلام - و این شیوه نگارش و استدلال مسائل قضائی را «اطناب ممل» و یا «بدیهه گوئی» زائد تصور نمایند و خود را بی نیاز از مرور مسائل بشناسند و از طریق تظاهر به مردود دانستن « طرح مشکلات عادی آنها» بزبانی ساده و واضح تر از متداول، و وسیله‌ای برای فرار از واقعیات و فضل‌نمائی بدست آورند .

با اینحال ما، بنا به فلسفه وجودی «حقوق امروز» و - وظیفه‌ای که با تاسیس و ادامه کار آن بعهدہ گرفته‌ایم - و بدلیل تحمل مشکلاتی که در این راه داشته‌ایم - و اعتقاد جازمی که بلزوم : « ساده گفتن و آسان ساختن درك حقوق و قوانین ، برای مردم این سرزمین» داریم - و اهمیت خاصی که در شرایط کنونی اجتماعی مان برای این «کار» قائل هستیم ، این راه را با وسائل و طرق گوناگون طی خواهیم کرد و سرافرازیم که باب «حقوق بزبان ساده» و آسان ساختن درك مسائل حقوقی، را برای نخستین بار در میهن خویش باز کردیم .
و از همه قضات و وکلای فاضل و پاکیزه دادگستری که این راه را شایسته و لازم می‌شناسند، انتظار همگامی و یاری داریم:

این شماره یاد آور می‌شویم که :

هر يك از اصحاب دعوای حقوقی، میتوانند از ماده ۶۲۰ قانون دادرسی مدنی منظور تمدید مدت ده روزه لایحه جوابیه، استفاده نمایند. و این مهلت کمتر از «تاسه روز» د از موعد مقرر برای رویت اصل سند طرف، نخواهد بود . مشروط بر اینکه :

- ۱ - تاسه روز بعد از ابلاغ رونوشت سندیکه بضمیمه دادخواست یا لایحه رف بوده، تمایل خود را به رویت اصل آن سند، بدفتر داد گاه اطلاع داده باشد .
- ۲ - دفتر داد گاه، پنجمین روز بعد از وصول «اطلاع» را - بهر علتی برای - رویت اصل سند ، تعیین نکرده و یا اخطاریه لازم را صادر و ابلاغ ، ننموده باشد .



میدانیم که هر يك از اصحاب دعوی، بموجب مواد ۷۴ و ۱۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی باید رونوشت یا عکس یا گراور گواهی شده اسناد و مدارك خود را پیوست دادخواست لایحه خود بداد گاه تسلیم نماید . و برطبق ماده ۳۰۹ همان قانون، طرف دیگر دعوی، حق

توضیح مقدماتی
بزبان ساده

دارد تا سه روز پس از دریافت (ابلاغ) رونوشت اسنادیکه ضمیمه دادخواست یا لایحه طرف بوده بدفتر دادگاه اطلاع دهد که مایل است «اصل» آن سند را ببیند (رویت کند) و مدیر دفتر دادگاه مکلف گردیده پنجمین روز پس از دریافت این اطلاع را برای ارائه اصل سند، تعیین و مراتب را بطرفین ابلاغ نماید تا دارندة سند، اصل آنرا بدفتر دادگاه بیاورد - و درخواست کننده رویت سند، برای ملاحظه آن مراجعه کند .

و نیز میدانیم که هر يك از طرفین دعوی ، بموجب ماده ۳۷۶ همان قانون حقدارد در برابر سند عادی که علیه او ابراز گردیده و نسبت به کیفیت یا خصوصیات آن ، مشکوک است یکی از دو حالت زیر را اتخاذ نماید :

الف - اگر سند ابرازی طرف، از لحاظ خط یا امضاء و یا مهر (و یا از هر سه جهت نامبرده) منتسب بخود او باشد، میتواند خط یا امضاء و یا مهر و یا مجموع آنها را «انکار» نماید .

ب - اگر سند ابرازی علیه او منتسب بخود او نباشد در این صورت میتواند نسبت بآن «تردید» نماید .

ضمناً میدانیم که بموجب ماده ۳۷۷ همان قانون، «انکار» یا «تردید» باید تا اولین پاسخی که از سند داده میشود ، بدادگاه اعلام گردد .

و باز میدانیم که در دادرسیهای عادی مرحله نخستین (دادگاههای شهرستان) بموجب مواد ۱۱۱ و ۱۱۴ و ۱۱۵ همان قانون ، هر يك از طرفین دعوی، برای پاسخ به دادخواست و لایحه خواهان و یا لوایح خوانده - تا یازده روز بعد از روز ابلاغ ، فرصت دارد. و میبایستی هر گونه دلیل و دفاع و ایرادی بنفع خود و بضرر طرف دارد، و از جمله هر گونه اشکال و ایرادی برسند استنادی طرف را در اولین لایحه‌ای که در پاسخ دادخواست یا لایحه واصله از ناحیه طرف میدهد - اظهار نماید و دلائل خود را دایر بر رد دلائل طرف و بی ارزشی مستندات او پیوست لایحه جوابیه خود بنماید .

و میدانیم که بموجب ماده ۳۱۱ آئین دادرسی مدنی : هر گاه کسی که باید اصل مستند خود را ارائه بدهد ، آنرا در روز تعیین، در دفتر دادگاه حاضر نکرد، آن سند از ردیف دلائل او خارج میشود و روشن است که اینچنین پیش آمدی بسود طرف او یعنی درخواست کننده رویت اصل سند میباشد و حقی است که قانون دادرسی مدنی برای او فرض کرده و شناخته است و میباید فرصت استفاده از این حق احتمالی ، باو داده شود .

از مجموع چهار قسمت بالا روشن است که قانون آئین دادرسی مدنی چنین فرض کرده و مقرر داشته است که هر يك از طرفین دعوی برای پاسخ به گفته‌های طرف و «انکار»

نتیجه مقدمه

بالا

یا «تردید» نسبت به مستندات او همیشه حداقل «تاسه روز» بعد از رویت اصل مستندات طرف دعوایش ، فرصت و مجال دارد که در نحوه دفاع خود بیاندیشد و تصمیم لازم بگیرد و بنابراین در موردیکه یکی از طرفین دعوی نسبت به سند طرف دیگر مشکوک باشد ، سلسله منطقی و قانونی اقدامات دفاعی او چنین خواهد بود که :

آن سند، بدفتر دادگاه اطلاع دهد.

۲- دفتر دادگاه روز پنجم پس از دریافت این اطلاع را برای آوردن سند و رویت آن، نکند و وقت این کار را بطرفین ابلاغ نماید.

۳- دارنده سندی که رویت اصل آن تقاضا گردیده، در روز تعیین شده از طرف دفتر گاه، باید اصل سند را بدفتر دادگاه بیاورد و یا خود را برای خروج آن سند از اعداد دلایلش ده سازد.

۴- درخواست کننده رویت سند، در موعد مقرر برای رویت اصل سند، بدفتر دادگاه ید.

۵- درخواست کننده رویت سند، در ظرف یازده روز از تاریخ ابلاغ دادخواست یا چه طرف، به کلیه گفته‌ها یا مستندات طرف که تا آن تاریخ بیان و ابراز شده است، پاسخ دهد و از جمله آنکه نسبت به سندی که اصل آن برویت او (درخواست کننده رویت اصل سند) یده است بر حسب مورد، «انکار» یا «تردید» نماید.

حال اگر در این میان، دفتر دادگاه - بعلمت مشغله زیاد یا هر علت دیگری - از ایفای وظیفه مقرر در ماده ۳۰۹ قانون آئین دادرسی مدنی، غفلت نمود و پنجمین روز

طرح مسئله

و پاسخ بدیهی

بد از وصول اطلاع درخواست کننده رویت اصل سند) را برای آوردن رویت آن، تعیین کرد و یا مثلاً بجای روز پنجم، روز ششم یا روز شانزدهم را تعیین نمود - در این صورت تکلیف سبکه درخواست رویت اصل سند را کرده است چیست؟

این مسئله هنگامی روشن تر جلوه میکند که بدانیم درخواست کننده رویت اصل سند، با کثر تا آخر روز پانزدهم بعد از ابلاغ دادخواست یا لایحه طرف (که رونوشت سند یا نادی را ضمیمه داشته است) مکلف است پاسخ خود را از هر جهت (و از جمله انکار یا تردید بت به مستندات طرف) بدادگاه تسلیم نماید و از سوی دیگر قبل از رویت اصل مستندات طرف دعوی، نمیتواند نسبت به وضع و ارزش خصوصیات اسناد او دفاع جدی و اظهار نظر بجز بنماید و خاصه که معمولاً تمام مبنای دفاع دعوی حقوقی بر پایه اسناد آن میباشد و گاه اسناد یکی از طرفین دعوی - بهر عنوانی غیر قابل تأثیر در حکم دادگاه شناخته شود معمولاً دعوی بنفع طرف دیگر پایان می پذیرد و بدیهی است که هر یک از طرفین دعوی قوقی حقدار به «خروج دلیل طرف، از اعداد دلایل و «سبک شدن بار دفاعش» امید داشته شود منطقاً این «امید» و «مزیت» باید برای او محفوظ و قابل استفاده باشد مگر آنکه بموجب کم قانونی، آنرا نقی نمایند ولی این «امید» و «مزیت» هنگامی فایده و ارزش دارد که زحمت ناع از دعوی را قبلاً ببوده متحمل نشده باشد و لذا هر یک از طرفین دعوی حقدار دفاع از عوی (و از جمله تسلیم لایحه دفاعیه) خود را **موکول** بر رویت اصل سند طرف مقابل بنماید البته مشروط بر اینکه رویت اصل سند را در موعد قانونی درخواست کرده باشد).

ولی متأسفانه متداول شده است که در اینگونه موارد، شخصی که حق رویت اصل سند

طرف دعوای خود را قبل از دادن پاسخ به گفته‌های او دارد و تمایل با استفاده از این حق را هم در ظرف مدت قانونی (سه روز) بدفتر دادگاه اعلام داشته ولی در اثر غفلت یا سهل‌انگاری دفتر دادگاه (مثلاً در تعیین روز رؤیت اصل سند و ابلاغ آن بطرفین) موفق به رویت اصل سند نگردیده است، دچار تزلزل می‌گردد و از ترس انقضای موعد ده‌روزه تسلیم لایحه - پیش از آنکه اصل سند طرف دعوی را ببیند - اقدام به تهیه لایحه جوابیهی بر پایه يك سلسله کلیات مینماید و برای حفظ حق دفاع خود در برابر مستندات طرف و یا بهره‌مندی از خروج آنها از عداد دلایل، بدون توجه به واقعیات و خصوصیات و کیفیت مستندات طرف - یکسره آنها را «انکار» یا مورد «تردید» قرار میدهد و احیاناً «ادعای جعلیت» میکند و بدین طریق گمان میبرد که راه شایسته را انتخاب نموده است. **در حالیکه:**

با توجه به توضیحات بسیار ساده بالا و اتکاء به دو نکته قانونی زیر:

استدلال قضائی

اولاً آنکه: بموجب ماده ۳۱۰ قانون دادرسی مدنی،

فقط هنگامی میتوان متقاضی رویت «اصل» سند را در حکم کسی دانست که در موعد مقرر، پاسخ کتبی نداده است که هر «دو جزء» مذکور در ماده نامبرده را رعایت نکرده باشد. یکی آنکه در روز معین برای رویت اصل سند، در دفتر دادگاه حاضر نشده باشد - دوم آنکه (علاوه بر عدم حضور برای رویت اصل سند) در موعد مقرر برای پاسخ کتبی، بدعوی طرف پاسخ نداده باشد. - بنابراین میتوان دریافت که هر گاه درخواست کننده رویت «اصل» سند - بعلت غفلت یا سهل‌انگاری دفتر دادگاه - قادر نشده است «اصل» سند طرف را ببیند و باین جهت نتوانسته است نحوه دفاع خود را در برابر دعوی و مستندات طرف، «هنجراً» تعیین و تنظیم نماید و بدین ترتیب مهلت ده‌روزه مقرر برای پاسخ بطرف را از دست داده است، هرگز نمیتوان اینچنین شخصی را در حکم کسی قرار داد که در موعد مقرر قانونی، پاسخ کتبی نداده است.

ثانیاً آنکه: چون در مواردیکه صاحب سند، بعلل مذکور در مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ دادرسی

مدنی نتوانسته باشد اصل آنرا - در موعد تعیین شده بدفتر دادگاه بیاورد و دادگاه با مهلت داده و روز دیگری برای ارائه سند معین کرده است «متقاً» بالا قانون بموجب صریح ماده ۳۱۴ دادرسی مدنی، موعد تسلیم لایحه جوابیه درخواست کننده رویت اصل سند را «تا ده روز بعد از موعد رویت» تمدید کرده است بنا بر این بدون شك ثابت می‌گردد که - علاوه بر منطق سلیم - قانوناً نیز اصل وقاعده بر اینست که:

درخواست کننده رویت اصل سند: حق بلا تردید دارد که

دفاع و پاسخش را به «بعد از رویت» اصل سند طرف و یا

«اطمینان از خروج آن از عداد دلایل او» موکول نماید. و تنها شرط (احتیاطی) بهره‌مندی از این حق آنستکه با استناد ماده ۶۲۰ قانون دادرسی مدنی، پیش از پایان موعد ده‌روزه تسلیم لایحه جوابیه، از دادگاه، این «مهلت» را درخواست بنماید.

شاید (چون سالیان دراز است رویه دادگاهها غیر از این

بوده است که گفته شد) این سخن در نظر عده‌ای نا مانوس

نتیجه

تذکر

درخواست تمدید مهلت برای تسلیم لایحه جوابیه را از کسیکه در طرف مدت قانونی، تقاضای رؤیت «اصل» مستند طرفش را کرده ولی بعلمت غفلت یا خطای دفتر دادگاه، موفق به رؤیت نگردیده است بپذیرند و مدت این «مهلت اضافی» اعطائی دادگاه، در هر حال نبایستی کمتر از «تاسه روز» بعد از روزی باشد که دفتر دادگاه برای «رؤیت اصل سند» تعیین خواهد نمود زیرا :

مدت مهلت

چنانکه در بالا اشاره کردیم : با توجه به مهلت مقرر برای تقاضای رؤیت «اصل» سند (سه روز پس از ابلاغ رونوشت سند - ماده ۳۰۹) و روزی که دفتر دادگاه مکلف است

آنرا برای رؤیت سند تعیین و بطرفین ابلاغ نماید (روز پنجم بعد از وصول تقاضای رؤیت اصل، سند بدفتر دادگاه - ماده ۳۰۹) و مهلت پاسخ به دادخواست یا لایحه طرف (تا یازده روز بعد از روز ابلاغ) و محاسبه مجموع آنها، روشن میگردد که قانون آئین دادرسی مدنی در موردیکه دفتر دادگاه بوظیفه قانونی خود عمل نکرده باشد، به متقاضی رؤیت اصل سند، حق و فرصت داده است که حداقل تا «سه روز» بعد از روزیکه برای رؤیت اصل سند تعیین میشود، با آسایش خاطر، درباره نحوه پاسخ خود بیاندیشد و مثلاً اگر طرف، او «اصل» سند را در موعد مقرر حاضر نکرده باشد، بتواند ضمن لایحه جوابیه اش خروج آنرا از اعداد دلایل او بخواهد و اگر «اصل» مستندات او را دیده باشد، با توجه به آنچه دیده، نظر و دفاع خود را منجزاً اظهار نماید.

در پایان یادآور میشوم که خود اینجانب در دعوائی بکلاسسه شعبه دادگاه شهرستان تهران، وکیل خوانده ای بودم که در موعد قانونی، درخواست رؤیت اصل سند خواهان را نموده بود ولی دفتر دادگاه موفق نگردیده بود روز پنجم پس از این درخواست را برای رؤیت اصل سند، تعیین نماید. ضمناً موکل اینجانب اظهار میداشت که : «بخاطر ندارد سندی از نوع آنچه مستند دادخواست خواهان است» امضا کرده باشد و طبعاً اینجانب نمی توانستم قبل از آگاهی از کم و کیف اصل مستندات خواهان، دفاع قطعی بنمایم. ناچار در روز نهم - از تاریخ رؤیت دادخواست - بر پایه استدلال بالا که البته در این مقال بازبانی بسیار بسیار ساده و معمولی و به تفصیل بیان شده است. (۱) از دادگاه، مهلت اضافی و تمدید مدت تقدیم لایحه را تا بعد از رؤیت اصل مستندات خواهان، تقاضا نمودم و پس از مباحثه ای که با قاضی محترم آن دادگاه بعمل آمد، روز بعد، با تقاضای مهلت موافقت گردید - بنابراین، آنچه گفته شد بمرحله عمل نیز آمده است.

بهاءالدین طباطبائی

(۱) - شاید این تفصیل و سادگی استدلال، برای اهل فن خسته کننده بنظر آید ولی از آنجا که غرض ما در مبحث (یادآوری های قضائی) افاده بمطلب است لذا میکوشیم این مسائل را هرچه بسیط تر و ساده تر بیان نمائیم. وگرنه، اصل لایحه تقدیمی بدادگاه نوزده سطر بیش نیست.